

ترازو

همه چیز را برعکس می فهمد. مثلاً تو بگو «خوشبختی»، قبل از این که اجازه دهد درباره خوشبختی واقعی در آخرت صحبت کنی، سریع آن را با پول و لذت های دنیایی مساوی می گیرد و بر اساس آن، زندگی خود را بنا می کند. او اشتباه بودن نگاهش را نمی فهمد، چون ترازویی که با آن چیزها را می سنجد، خراب است! درست مثل این می ماند که روی یک ترازوی میوه فروشی، عیار طلا را بسنجند! معلوم است که هیچ نتیجه درستی نمی دهد.

پس مشکل از ترازو است و اگر قرار است این فرد چیزی مثل خوشبختی را به درستی بفهمد، باید ترازویش را درست کند و این جز با پذیرفتن «قیامت» اتفاق نمی افتد. یعنی اگر قیامت را پذیرفت و معیارهایش را بر مبنای قیامت محکم و سنگین کرد، زندگی شیرین و رضایت بخش را تجربه خواهد کرد؛ اما اگر نپذیرفت و همه چیز را با همین معیارهای سبک دنیوی سنجید، قیامت چون حادثه کوبنده ای بر سر او فرود خواهد آمد! اما چه سود که آن موقع خیلی دیر است...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱) مَا الْقَارِعَةُ (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ
كَالْفَرَّاشِ الْمَبْتُوثِ (۴) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵) فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ
مَوَازِينُهُ (۶) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷) وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹) وَ
مَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ (۱۰) نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)



سوره مبارکه قارعة

